



جبر جغرافیایی و توسعه

نویسندگان: مریم حسینی سعدی، فرهاد آگاه

تا به جای خرید آب به مراتب ارزان‌تر از چاه‌های کشاورزی موجود که همواره امکان آن وجود داشته و خواهد داشت، قیمت تمام‌شده آب انتقالی را پرداخت کنند؟ برای نمونه، طبق اظهارنظر اخیر مدیرعامل شرکت معدنی گل‌گهر، قیمت فروش هر مترمکعب آب شیرین حاصل از پروژه در حال اجرای شیرین‌سازی و انتقال آب از خلیج فارس به مجموعه گل‌گهر سیرجان، بین ۲۰ تا ۲۵ هزار تومان خواهد بود. این در حالی است که هم‌اکنون قیمت خرید و فروش آب کشاورزی در منطقه که به دلیل وجود باغات وسیع پسته به مراتب گران‌تر از قیمت خرید و فروش آب در دیگر مناطق زراعی کشور است به ۲ هزار تومان هم نمی‌رسد.

۲- آیا به مصلحت کشور است نفتی را که به قیمت‌های امروز بشکه‌ای در حدود ۵۰ دلار یا گازی را که به قیمت‌های امروز مترمکعبی بالای ۲۰ سنت می‌توانیم صادر کنیم، صرف شیرین‌سازی و پمپاژ آب به فلات مرکزی کنیم؟ با در نظر گرفتن هزینه شیرین‌سازی بالغ بر ۷۰ سنت به ازای هر مترمکعب آب و هزینه پمپاژ و انتقال چند برابر شیرین‌سازی، حتی با فرض انجام سرمایه‌گذاری اولیه در چنین طرح‌هایی، آیا تداوم بهره‌برداری از آن‌ها از نظر اقتصادی امکان‌پذیر است؟ آیا دادن چنین رانت بزرگی به ساکنان فلات مرکزی ایران عادلانه است؟ آیا مصرف منابع فرانسلی و استراتژیک نفت و گاز کشور برای بهره‌برداری‌های کوتاه‌مدت و ناپایدار، جفا به نسل‌های آینده مردم این سرزمین نیست؟

۳- مشخص نیست چه مقدار آب و به چه منظوری می‌خواهیم شیرین‌سازی و منتقل کنیم؟ از نظر فنی و مهندسی همه چیز امکان دارد، اما امکان‌پذیری و صرفه اقتصادی و هزینه‌های اجرای چنین طرح‌هایی باید دیده شود. آیا ظرفیت لازم نیروگاهی برای تأمین برق چنین طرح‌هایی در نظر گرفته شده است؟ بر اساس محاسبات، برای شیرین‌سازی و انتقال هر یک درصد آب مصرفی کنونی کشور یعنی حدود یک میلیارد مترمکعب در سال، نیازمند افزایش تقریباً ۲ درصدی ظرفیت

«راه وجود دارد که هم از آب جنوب و شمال استفاده و هم اصول محیط‌زیستی را مورد مراعات قرار دهیم.» امیدواریم تیم کارشناسی رئیس‌جمهور تمامی جوانب اجرای چنین طرح‌های عظیمی را در نظر گرفته باشند، اما به‌رغم این امیدواری، شک و تردیدهای خطیر بسیاری در زمینه‌های اقتصادی، محیط‌زیستی، اجتماعی و امنیتی نسبت به چنین ادعاهایی وجود دارد. در ادامه و صرفاً از زاویه دید اقتصادی به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- هزینه تمام‌شده آبی که پس از شیرین‌سازی در کنار دریا‌های جنوب و شمال پس از عبور از ارتفاعات صعب‌العبور به دست مصرف‌کنندگان در بخش‌های شرب، صنعت یا کشاورزی در استان‌های مرکزی ایران خواهد رسید، چقدر است؟ آیا برای هیچ یک از مصرف‌کنندگان در بخش‌های مورد اشاره صرف خواهد کرد

طرح شیرین‌سازی و انتقال آب دریا‌های جنوب و شمال کشور به فلات مرکزی که مدت‌هاست از سوی مسئولان و سیاست‌گذاران به عنوان راهکاری برای نجات کشور از بحران آب و تأمین آب مورد نیاز برای توسعه اقتصادی استان‌های مرکزی زمره می‌شود، به دلیل چالش‌های بسیاری که بر سر راه اجرای آن وجود داشته تاکنون به صورت وسیع و جلدی به وقوع نپیوسته است.

اما رئیس‌جمهور محترم اخیراً بار دیگر خبر از حمایت قاطعانه خود از انتقال آب دریا به کویر داده و بیان کردند: «ایران هیچ مشکل آب ندارد، بلکه مشکل تلاش و برنامه‌ریزی دارد. در جنوب و شمال آب داریم. چطور تمام کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس از این آب استفاده می‌کنند و ما استفاده نمی‌کنیم؟» وی در ادامه با اشاره به انجام مطالعات بسیار دقیق توسط سازمان محیط‌زیست گفت:

تولید برق هستیم. آیا بودجه مملکت توان تأمین هزینه‌های سرمایه‌گذاری لازم برای افزایش ظرفیت نیروگاهی، خرید تجهیزات و اجرای پروژه‌های شیرین‌سازی و انتقال آب دریا را دارد؟ و آیا اصلاً بخش خصوصی حقیقی علاقه و توان وارد شدن به چنین طرح‌هایی را دارد؟

۴- باید اذعان داشت کارخانه‌های انرژی بر صنایع سنگین واقع در استان‌های مرکزی کشور، مشوق و پشتیبان اجرای چنین طرح‌هایی در کشور هستند. نه تنها توجیه اقتصادی شکل‌گیری این صنایع بر پایه انرژی ارزان بوده، بلکه تداوم حیات آن‌ها در صورت کاهش یا حذف یارانه‌های انرژی به خطر خواهد افتاد. صنایعی که هم‌اکنون با آب رایگان هم توجیه اقتصادی و تداوم فعالیت آن‌ها در حاله‌ای از ابهام است، چگونه قادر خواهند بود هزینه‌های هنگفت چنین آب مصرفی را پردازند؟ به نظر نمی‌رسد که کارشناسان دولت چنین آب گرانی را نیز برای مصرف کشاورزی در نظر گرفته باشند. این آب گران تنها ممکن است برای مصرف شرب توجیه پیدا کند که در آن صورت نیز باید این هزینه جدید تولید آب در قبوض آب شهری انعکاس یابد.

۵- آیا توسعه مناطق کم‌آب مرکزی کشور را باید بر مبنای صنایعی قرار داد که ضمن اشتغال‌زایی، مصرف آب اندکی دارند یا صنایعی سرمایه‌بر، انرژی‌بر و آب‌بر که تولیدات آن‌ها در صورت حذف یارانه‌های دولتی قدرت رقابت در عرصه جهانی را ندارند؟ چرا توسعه صنایع آب‌بر به جای فلات مرکزی کم‌آب به کنار دریا منتقل نمی‌شود تا دیگر نیازی نباشد که آب را با صرف هزینه و انرژی هنگفت انتقال دهیم؟

۶- با وجود راهکارهای کم‌هزینه مدیریت مصرف اعم از بازچرخانی، تصفیه، نوسازی شبکه‌های انتقال، مدرنیزاسیون روش‌های آبیاری کشاورزی و ایجاد بازار برای آب که به افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از آب منجر می‌شود، اما مسئولان به دنبال طرح‌های پرهزینه شیرین‌سازی و انتقال آب دریا به ارتفاعات فلات مرکزی هستند. پرسش اینجاست که چرا در کشور همواره

ازدیاد عرضه را بر صرفه‌جویی در مصرف ترجیح داده‌ایم؟! آیا می‌خواهیم آبی بس گران‌قیمت را به مقصدی برسانیم که در آن مقصد آب مشغول هدررفت است؟ می‌توان گفت شیرین‌سازی و انتقال آب در چنین شرایطی فقط می‌تواند باعث به تعویق انداختن بحران به هزینه هنگفت شود. آیا برای ازدیاد عرضه آب به جای



«شاید لازم باشد به جای تصور امکان استفاده از ثروت محدود زیرزمینی و تکنولوژی مدرن برای فائق آمدن بر جبر جغرافیایی سرزمین‌مان، با فرض کمیابی طبیعی آب شیرین در حوضه‌های آبریز مرکزی کشور، گزینه‌های ممکن برای توزیع و تمرکز مطلوب جمعیت در ایران آینده را بررسی کنیم.»



صرفه‌جویی در مصرف هیچ حدی متصور است یا سقف تولید آب شیرین حجم اقیانوس هند است؟ هرچند دولت با ممانعت از جابجایی و خرید و فروش آب در مصارف کشاورزی جلوی افزایش بهره‌وری آب در این بخش را گرفته، ولی به بخش صنعت و شرب این اجازه را داده که آب کشاورزی را خریده و جابجا کنند. حقیقتاً چرا باید کارخانه‌ها و شهرهای مستقر در فلات مرکزی ایران، استفاده از آب انتقالی با هزینه بسیار بالا را به خرید آب از بخش کشاورزی ترجیح دهند؟

۷- به دو دلیل مقایسه ایران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس قیاسی مع‌الفارق است. نخست آنکه به عنوان نمونه کشوری همچون امارات متحده عربی با جمعیت حدود ۹ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر، سالانه فقط ۲ میلیارد مترمکعب مصرف آب دارد یعنی سرانه مصرف هر نفر ۵۵۰ لیتر است. این میزان مصرف سالانه امارات را مقایسه کنیم با مصرف سالانه ۱۰۰ میلیارد مترمکعب آب در ایران که عمدتاً به مصرف کشاورزی می‌رسد. دوم

آنکه در امارات این ۲ میلیارد مترمکعب آب در نزدیکی دریا به مصرف می‌رسد، نه آنکه همه جمعیت امارات در شهرهایی به ارتفاع دو برابر آسمان خراش برج خلیفه زندگی و آب مصرف کنند. پرسش اینجاست که آیا تنها وجود آب منجر به پایداری استفاده از آب می‌شود؟ آیا کارهایی که کشورهای دیگر انجام می‌دهند حتماً و لزوماً برای کشور ما هم مفید است؟ آیا نباید بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی در هریک از حوضه‌های آبریز بسیار متفاوت کشور خودمان درباره چنین مسائلی تصمیم گرفته شود؟

تجربه تلخ کشور در انتقال حوضه به حوضه آب در استان‌های خوزستان، چهارمحال و بختیاری، اصفهان و یزد، شورش‌شدن آب پائین دست سد گتوند، افول تدریجی دریاچه ارومیه و بسیاری نمونه‌های کمتر رسانه‌ای شده دیگر نشان داده است که اقدامات عجولانه، غیرکارشناسی و سیاسی در حوزه آب چه تبعات سهمگین و جبران‌ناپذیری می‌تواند به دوش کشور و نسل‌های آینده مردم این سرزمین تحمیل کند. هرچند ایده شیرین‌سازی و انتقال آب دریاها جنوب و شمال به فلات مرکزی جذابیت‌های خاص خود را برای سیاست‌گذاران کشور دارد، اما بی‌شک این دست‌اندازی به طبیعت تبعاتی به همراه خواهد داشت. به نظر می‌رسد برای زمین‌گیر نشدن چنین تصمیمات بزرگی از ابتدا یا در میانه راه و همچنین قضاوت مثبت نسل‌های آینده نسبت به حاکمیت و نسل حاضر لازم باشد تا دولت محترم افکار عمومی و جامعه کارشناسی خارج دولت را نسبت به اخذ و اجرای چنین تصمیماتی قانع و همراه کند. شاید لازم باشد به جای تصور امکان استفاده از ثروت محدود زیرزمینی و تکنولوژی مدرن برای فائق آمدن بر جبر جغرافیایی سرزمین‌مان، با فرض کمیابی طبیعی آب شیرین در حوضه‌های آبریز مرکزی کشور، گزینه‌های ممکن برای توزیع و تمرکز مطلوب جمعیت در ایران آینده را بررسی کنیم.

مأخذ: روزنامه دنیای اقتصاد